

روش‌های تربیتی در سیره امام سجاد علیه السلام

علی اسماعیلی ایولی*

چکیده

انسان، مستعد اتصاف به همه کمالات است. وصول به آنها در گرو تربیت صحیح می‌باشد و برای رسیدن به هدف والای قرب الی‌الله، باید بهترین شیوه‌ها را انتخاب نمود. به یقین، برترین روش‌ها که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه ابعاد وجودی اوست، تنها در کلام و سیره انسان‌های کامل در هر عصر و زمان جست‌وجو می‌شود و چنین انسان‌هایی برای همه عصرها و زمان‌ها جز معصومان علیهم السلام کسی نیست. این مقاله با رویکرد نظری و تحلیلی و با هدف آشنایی با روش‌های تربیتی «عفو» و «تغافل» امام سجاد علیه السلام بر اساس صحیفه سجادیه، دعای ابوحمزه ثمالی و سیره رفتاری آن حضرت است.

کلیدواژه‌ها: تربیت، شیوه تربیتی، سیره، تغافل، عفو.

مقدمه

و رساندن افراد به توحید عبادی که برترین مرتبه زندگی موحدانه است، مقصود مریبان الهی بوده. امام علیه السلام مفاهیمی را برای ارتباط با خداوند و رسیدن به قرب الهی ذکر فرمودند؛ مثل: معرفت خدا،^(۲) ایمان،^(۳) تقوی.^(۴)

در این مکتوب از میان روش‌های گوناگون تربیتی به دو روش «تغافل» و «عفو» که جنبه اجتماعی داشته و رابطه تربیتی و اخلاقی انسان با هم‌نوع خود را نشان می‌دهد اکتفا شده است.

مفهوم‌شناسی

تربیت

در تعریف تربیت آمده است:

تربیت، عبارت است از فعالیتی مستمر و منظم در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی اخلاقی، اجتماعی و به طور کلی پرورش و شکوفایی استعداد‌های متربی که نتیجه آن در شخصیت متربی به ویژه در رفتارهای او ظاهر خواهد شد.^(۵)

تربیت دینی

تربیت دینی عبارت است از:

مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر در عمل و نظر تا به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند.^(۶)

سیره

سیره بر وزن فعله از سیر به معنای چگونگی عمل و رفتار یا سبک و قاعده رفتار است.^(۷)

در این مکتوب، معنای دوم یعنی برداشت

تربیت اسلامی یکی از اساسی‌ترین بخش‌های معارف اسلامی، فلسفه بعثت رسولان و مهم‌ترین وظیفه اولیای الهی است. بهترین روش‌های تربیتی برای رسیدن به اهداف و اصول تربیت دینی در سیره پیشوایان دین یافت می‌شود. از این رو، پرداختن به شیوه‌هایی که برای تربیت افراد در گفتار و رفتار ائمه اطهار علیهم السلام دیده می‌شود ضروری است. گرچه در کتاب‌های تاریخ و سیره گنجینه‌های فراوانی از ائمه علیهم السلام دیده می‌شود، اما با دید تربیتی تفکیک نشده و مورد توجه قرار نگرفته‌اند. بیان سیره تربیتی هر یک از ائمه اطهار علیهم السلام در شرایط متفاوت با توجه به نیازهای جامعه امروزی، بهترین راه هدایت افراد و تربیت دینی آنهاست.

در موضوع اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه امام سجاد علیه السلام با توجه به صحیفه سجادیه پژوهش‌های مختصری انجام شده است، اما بررسی نظام تربیتی امام علیه السلام با تکیه بر دعا‌های صحیفه، دعای ابوحزمه ثمالی و سیره رفتاری آن حضرت رهاورد و هدف نظری این مکتوب است. هدف کاربردی ارائه شیوه‌های تربیتی زین العابدین علیه السلام به مریبان تربیتی است تا در پرورش نسل جوان به کار بندند.

اهداف تربیتی امام چهارم که به عنوان الگویی برای مریبان جامعه اسلامی مطرح نظر است عبارتند از:

الف. هدایت به راه حق و تمییز حق از باطل؛

ب. اصلاح جامعه اسلامی و وصول به حیات

طیبه (امام علیه السلام رسیدن به این هدف را در گرو عمل به اوامر و نواهی الهی می‌دانند و از خداوند توفیق آن را طلب نموده‌اند)؛^(۱)

ج. توحیدمحوری (تربیت بر مدار توحید

عبارت است از غلبه بر احساسات منفی (کینه، عصبانیت) و جایگزینی آن با احساسات مثبت. عفو در متون اسلامی عبارت است از فرانگری به بافت رنجش، ملاحظه محدودیت‌های فردی و نوعی انسان‌ها و با توجه به آنها رفتار خاطی را معنا دادن و تفسیر نمودن، و خود را فردی از نوع انسان ممکن‌الخطا دیدن، که در شرایطی ممکن است به گذشت نیاز داشته باشد و احساس همدردی با خاطی و گذشت از اشتباه او که با انگیزه آرامش روانی، بهبود روابط با خاطی و رشد و پرورش او، یا جلب رضایت خداوند صورت می‌گیرد.

عفو، گذار از مرحله انزجار و رنجیدگی به مرحله احساسات مثبت فرد جفا دیده، نسبت به فرد خطاکار است.^(۱۱)

گذشت از تقصیر دیگران یکی از مکارم اخلاق و آداب معاشرت است. اگر همه انسان‌ها در استیفای حقوقشان سختگیر باشند، روح صفا و صمیمیت در جامعه یافت نخواهد شد. در قرآن کریم به عفو امر شده است: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾ (اعراف: ۱۹۹) همچنین در آیات دیگر علاوه بر «عفو»، به «صفح» نیز اشاره شده است،^(۱۲) که معنای آن رساتر از عفو است؛ یعنی علاوه بر مفهوم گذشت، نادیده گرفتن خطا نیز در آن لحاظ شده است.

عفو و اغماض در صورتی ارزشمند است و مصداق می‌یابد که انسان قدرت انتقام داشته باشد. در غیر این صورت، سکوت انسان نه از مصادیق عفو، بلکه از مصادیق کظم غیظ خواهد بود و «کظم غیظ» در صورتی که انسان از روی ناچاری سکوت کند منجر به حقد و کینه، و باعث سوءظن، حسد، غیبت و تهمت می‌شود.^(۱۳)

روش‌های تربیتی از گفتار یا رفتار امام علیه السلام مقصود است و بنابراین، مقصود از سیره تربیتی شامل قولی یا فعلی است که آن حضرت در مقام تربیت دیگران و به منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، باورها، احساسات، عواطف یا رفتارهای دیگران ابراز داشته‌اند. سیره قولی در این مقاله عباراتی از صحیفه سجادیه یا دعای ابوحمزه ثمالی، و سیره فعلی رفتارهای آن حضرت به قصد هدایت دیگران است که در دوران سی و چهار ساله امامت ایشان ثبت و نقل شده است.

روش تربیتی

روش (شیوه) به معنای طریقه، اسلوب، راه یا منوال است^(۸) و در اصطلاح علوم تربیتی، شیوه‌هایی است که با استفاده از آنها، فرد می‌تواند تعلیمات و معارف حق و اخلاق پسندیده را در خود یا دیگری پیاده کرده و عمق بخشد و ناپاکی‌ها را از صفحه دل و روح خود یا دیگری بزدايد.^(۹)

در این مکتوب، روش‌های «تغافل» و «عفو» با توجه به مناجات‌های صحیفه سجادیه و ابوحمزه ثمالی و سیره رفتاری امام علیه السلام بیان شده است.

الف. روش عفو

۱. تعریف عفو

«الْعَفْوُ هُوَ التَّجَاوُزُ عَنِ الذُّنُوبِ وَ مَحْوُهَا عَنِ الْعَبْدِ»^(۱۰) عفو، گذشت از گناهان و محو آثار آن از بنده می‌باشد.

بخشش، عبارت است از تغییر ارادی و آگاهانه و آزادانه قلبی، و نتیجه موفقیت‌آمیز کوشش فعال برای جایگزینی افکار بد با اندیشه‌های خوب، و تندی و عصبانیت با احساس ترحم و شفقت. و بخشودن

۲. اقسام عفو

از لحاظ ارزش اخلاقی، می‌توان مراتبی برای عفو برشمرد:

الف. گاهی بخشش و گذشت جنبه تاکتیکی دارد؛ به این معنا که چون شرایط قصاص و انتقام مهیا نیست، ناچار است که عفو نماید. این نوع بخشش گرچه یک تمرین اجباری برای بخشایش دیگران است، اما ارزش اخلاقی و تربیتی ندارد.

ب. بعضی اوقات اغماض از خطای دیگران تنها برای خودسازی است. بخشاینده دست از انتقام می‌کشد؛ برای آنکه تحمل سختی‌ها را تمرین کند، به کمال صبر و مقاومت دست یابد، ضعف‌هایش به تحمل و خودداری مبدل شود و در امر دنیا و آخرت موفق باشد. این قسم عفو دارای ارزش اخلاقی است؛ زیرا برای خودسازی است.

ج. مرتبه سوم عفو، نه جنبه تاکتیکی دارد و نه صرفاً برای خودسازی است، بلکه برای همیشه از انتقام متجاوز درمی‌گذرد تا فرد خطاکار را تربیت کند و او را از ارتکاب دوباره عمل زشت باز دارد؛ زیرا انسانی که در کمال قدرت است وقتی از تجاوز کسی که ضعیف و زیر دست است می‌گذرد، به طور طبیعی او را تحت تأثیر قرار خواهد داد، و وجدان اخلاقی‌اش را بیدار می‌کند. (۱۴)

چنین انگیزه‌ای برای عفو دیگران الهی و نیکوست؛ زیرا علاوه بر ارزش اخلاقی که برای عفوکننده دارد، ارزش تربیتی نیز دارد و متربی خطاکار را پشیمان و هدایت خواهد کرد.

۳. عفو در گفتار امام سجّاد (علیه السلام)

یکی از اوصاف خداوند «عَفُوٌّ» است، و امام (علیه السلام)

خداوند را با این نام می‌خواند و تقاضای بخشش خویش را می‌نماید: «... أَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّي...»؛ (۱۵) ای خداوندی که خود را بخشاینده نامیدی مرا عفو کن... .

خداوند اولین مربی است که با بخشش اولین متریان خویش، یعنی آدم و حوا، «عَفُوٌّ» نامیده شد، و از این رو، عفو و گذشت در مقام تربیت، قدمتی همسان با خلقت انسان دارد. امام (علیه السلام) این نکته را می‌آموزند که عفو نقطه امید همه انسان‌های خطاکار در طول تاریخ بوده است، و جریان تکامل و تربیت نفس انسانی تنها در گرو گذشت خداوند از گناهان فرد، و انسان‌ها نسبت به یکدیگر می‌باشد.

در دعای «التجاء»، امام با بیانی دیگر از خداوند طلب عفو می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ تَنَشَأُ نَعْفُ عَنَّا فَيَفْضِلِكَ، وَإِنْ تَنَشَأُ تُعَذِّبُنَا فَيَعْدِلِكَ، يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقْتِنَابِوَسُوعِكَ، وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنَعِكَ»؛ (۱۶) بار

الها، اگر بخواهی ما را عفو کنی، این از فضل و بخشش توست، و اگر بخواهی ما را کیفر نمایی، بر اساس عدالت است. ای کسی که از همه اغنیا بی‌نیازتری، هم‌اکنون ما بندگان در پیشگاه تو حاضریم، و من از همه نیازمندان نسبت به [عفو] تو محتاج‌تر هستم. پس ناداری ما را با وسعت خود جبران فرما و امید ما را با دریغ نمودنت قطع مگردان.

در این فراز، امام در مقام هدایت و ایجاد بینش در متربی هستند. امام می‌آموزند که متربی متواضعانه در برابر مربی باید خطایش را بپذیرد و از آن نادم باشد. از نظر ایشان، عفو و گذشت با همه ارزشی که دارد، اما در مقام تربیت، متربی نباید خطایی را تکرار

دوست داشتیم همین جا پاسخ او را می‌دادی. امام نعلین خود را پوشید و به راه افتاد و گفت: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۴) همراهان دانستند که او سخن زشتی به حسن نخواهد گفت. چون به خانه حسن رسیدند، امام گفت: بگویید سجّاد است. حسن بیرون آمد و یقین داشت زین‌العابدین برای تلافی نزد او آمده است. چون نزد او رسید، علی بن الحسین گفت: «یا اخی، ان کُنتَ قُلْتَ ما فیَّ اسْتَغْفِرُ اللهَ مِنْهُ، وَاَنْ کُنتَ قُلْتَ ما لیسَ فیَّ فَغَفَرَ اللهُ لَکَ»؛ برادرم اگر آنچه به من نسبت دادی در من وجود داشته باشد از خداوند طلب مغفرت می‌کنم و اگر در من نباشد از خداوند برای تو طلب آمرزش می‌کنم. حسن در پای وی افتاد و بوسه می‌داد و می‌گفت: «اسْتَغْفِرُ اللهُ بَلْ قُلْتَ فیکَ ما لیسَ فیکَ وَاَنَا اَحَقُّ بِه»؛ از خداوند طلب آمرزش می‌کنم آنچه از [صفات بد] به تو نسبت دادم در تو نیست و من به آنها سزاوارترم. (۱۸)

سیره امام در این حکایت، اسوه‌ای برای رفتار تربیتی است. امام با سکوت خویش و سپس بردن اطرافیان تا درب خانه حسن، می‌خواهند شیوه بخشش را به آنها بیاموزند. اگر تنها ندامت و آموزش حسن مقصود بود، امام می‌توانست به تنهایی بروند، اما به نحوی از اطرافیان می‌خواهد که در مقابل جسارت او روش ایشان را هم ببینند. در اینجا، امام هم متربی خطاکار و هم متربیان دیگری را که منتظر درس جدیدی از روش تربیتی امام علیه السلام هستند، به بهترین وجه آموزش می‌دهند.

عفو و گذشت، علاوه بر فواید و آثار فراوان اخلاقی که در آیات و احادیث ذکر شده، و خداوند

نموده و همیشه انتظار بخشش مربی را داشته باشد، بلکه مربی می‌تواند بنا بر تشخیص خویش، متربی را عفو کند یا اگر به تربیت متربی مضر باشد گذشت نکند. امام علیه السلام در اینجا به عنوان متربی از خداوند متواضعانه طلب بخشش می‌کند، اما می‌فرماید: اگر خداوند عفو نکند و عذاب نماید، این مطابق عدالت اوست.

همچنین آن حضرت در دعای ابوحمزه، چگونگی طلب عفو متربی از مربی را آموزش می‌دهند: «أَنْتَ يَا إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلاً وَأَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي، فَالْعَفْوُ فَالْعَفْوُ فَالْعَفْوُ»؛ (۱۷) تو ای خدای من که فضل بی‌پایان و بردباری عظیم تو برتر از آن است که مرا با گناهام مقایسه نمایی، از من درگذر، از من درگذر، از من درگذر.

در این عبارت، امام با ذکر صفات خداوند و رحمت و حلم بی‌پایان او، به گناهکاران امید می‌دهند تا متربی مأیوس نشود و در راه تربیت به حرکت خویش ادامه دهد.

۴. روش عفو و بخشش در رفتار امام علیه السلام

در سیره امام علیه السلام به موارد فراوانی برمی‌خوریم که ایشان نزدیکان، غلامان، بستگان، شیعیان و حتی مخالفان و دشمنان خود را مورد عفو و گذشت قرار می‌دادند، و با این شیوه آنها را تربیت می‌کردند.

عمادالدین طبری نقل می‌کند: روزی مردی از خویشان (حسن بن حسن علیه السلام نزد امام علیه السلام رفت، و تا توانست ایشان را دشنام داد. امام علیه السلام در پاسخ او خاموش ماند. چون حسن از نزد ایشان بازگشت، امام علیه السلام به کسانی که نزد او نشسته بودند گفت: شنیدید این مرد چه گفت؟ می‌خواهم با من بیایید و پاسخی را که به او می‌دهم بشنوید. گفتند: می‌آییم و

عنوان یک اصل اخلاقی نیز می‌تواند تأثیرات خوبی در مربی و عفوکننده داشته باشد.

از این رو، شیوه تربیتی عفو در کلمات و رفتارهای امام علیه السلام، برای همه مربیان یک الگوی عملی در تربیت است.

ب. روش تغافل

۱. معنای تغافل

تغافل، یعنی انسان چیزی را بداند و از آن آگاه باشد ولی با اراده و عمد، خود را غافل نشان دهد و وانمود کند که از آن آگاه نیست. (۲۱) تغافل در فقه اسلامی تحت عنوان «اصل صحت» مورد توجه قرار گرفته است؛ بدین معنا که عمل مسلمان درست است و اگر احتمال نادرستی در آن رود نباید به چنین احتمالی اعتنا نمود، چه رسد به اینکه بخواهیم تجسس نماییم تا موجب کشف مفسده در دیگران شود.

تغافل در رابطه تربیتی بین مربی و متربی به این معناست که پس از آنکه خطای متربی مسلم گشت، در مرحله اول وقتی خطا ناچیز باشد، مربی باید به گونه‌ای عمل کند که گویا از هیچ چیز خبر نداشته است.

این شیوه مبتنی بر اصل عزت است. قوت‌ها و ضعف‌های هر فردی در احساس عزت او دخیل هستند و این دو احساس باید به نحوی تحت کنترل درآید که منجر به حفظ عزت فرد گردد، و با توجه به ضعف‌های متربی از این شیوه استفاده می‌شود. (۲۲)

۲. اهمیت تغافل

تغافل صفتی پسندیده، و یکی از اصول اخلاقی و طرق تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد که دارای آثار درخشانی در تربیت است. در روایات، به تغافل و

خود را به این وصف توصیف فرموده است، در عمل به عنوان عامل مهمی در تعدیل روابط بین افراد و برقراری آرامش روانی نتیجه بخش می‌باشد.

بخشش، علاوه بر ترسیم روابط بین افراد و کاهش تنش‌های اجتماعی، در تأمین سلامت روانی، کاهش اضطراب و افسردگی، عصبانیت و پرخاشگری، اختلالات عاطفی و رفتاری، افزایش اعتماد به نفس، و پیشرفت تحصیلی فرزندان بسیار مؤثر و کارآمد است.

عفو موجب پایین آمدن فشارهای روحی می‌شود. کینه‌جویی و عفو نکردن موجب عدم تعادل عاطفی و شناختی می‌شود، و بدی‌های متربی را بزرگ کرده و خوبی‌هایش را منظور نمی‌کند. (۱۹)

البته مربی در عمل باید توجه نماید که با عفو، ندامت و پشیمانی را در متربی سبب شود، و پس از عفو هیچ متنی بر او نگذارد تا موجب زایل شدن عزت نفس او گردد و کینه‌های او را به دل بگیرد؛ زیرا در این صورت، باعث گمراهی و تکرار خطاهای او می‌شود. به طور خلاصه روش عفو در سه صورت برای اصلاح رفتار افراد استفاده می‌شود:

۱. خطاکار از کارش پشیمان شده است و تصمیم به تکرار ندارد.

۲. شخص خطاکار انسان آبرومندی است که از روی جهالت کار ناشایستی انجام داده است.

۳. خطاکار دارای فطرتی پاک است و احتمال می‌دهیم که اگر مورد عفو قرار گیرد، وجدان اخلاقی او بیدار می‌شود. (۲۰)

بنابراین، می‌توان گفت: در گفتار و رفتار امام سجاد علیه السلام، شیوه عفو به عنوان یک روش تربیتی برای دیگرسازی متربی‌ان به کار گرفته شده است. گرچه به

(ممدوح) و «تغافل منفی» (مذموم) بررسی می‌نماییم: الف. تغافل مثبت: مقصود ائمه اطهار علیهم السلام از تغافل در اخلاق و تربیت، این قسم می‌باشد؛ یعنی انسان چیزهایی را بداند که پنهان کردن آن لازم یا پسندیده است، یا اینکه فرد خود را نسبت به مسئله‌ای که اظهارش عواقب نامطلوب دارد به ناآگاهی و بی‌اطلاعی بزند، و یا با بزرگواری از کنار آن بگذرد تا باعث حفظ آبروی دیگران شود.

پنهان ساختن عیوب و لغزش‌های دیگران بسیار پسندیده است؛ زیرا هر کس که عیبی دارد سعی می‌کند از دیگران پنهان نماید. بخصوص در امر تربیت اگر از مرتب‌تری پرده دری شود، به نحوی که آبرو و حیثیت اجتماعی‌اش خدشه‌دار گردد، این خود نوعی تشویق به خطا بوده و باعث گمراهی خواهد شد؛ زیرا وقتی نگرش مثبت نسبت به او نباشد، از انجام کارهای ناپسند به صورت علنی ابایی نخواهد داشت. ^(۲۸) این نحوه چشم‌پوشی همان است که در تعالیم دینی ممدوح می‌باشد؛ روشی که ناشی از عقل و مصلحت و هماهنگی اخلاق بوده و تغافل‌کننده با نیت تربیت انجام می‌دهد. این نحوه تغافل از صفات حمیده بوده و می‌توان آن را از مکارم اخلاق به شمار آورد.

ب. تغافل منفی: همان‌گونه که غفلت در امور زندگی مایه بدبختی است، تغافل نسبت به امور مهم نیز همین‌گونه است؛ یعنی انسان واقعیت را بداند و باور داشته باشد که زندگی دنیا ناپایدار بوده و این جهان گذرگاهی است که باید از آن عبور کند و هیچ اعتباری به قدرت و ثروت‌های مادی نیست، ولی با این حال، از کنار این مسائل با بی‌تفاوتی می‌گذرد، گویا اصلاً هیچ چیزی نمی‌داند.

فواید و اثرات تربیتی آن اشاره شده است. امام علی علیه السلام در اهمیت تغافل می‌فرماید: «نصفُ العاقل احتمال و نصفُهُ تغافل»؛ ^(۲۳) نیمی از ساختار (انسان) خردمند بر اساس احتمال و نیمی دیگر به چشم‌پوشی بستگی دارد. نیز فرموده‌اند: «کسی که از بسیاری امور تغافل نکند آرامش و آسایش خود را متزلزل کرده است.» ^(۲۴) تغافل شاخه‌ای از حلم و بردباری است و بدون حلم نمی‌توان به آن دست یافت و از این رو، امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «لا حِلْمَ كَالْتغافل»؛ ^(۲۵) هیچ بردباری بهتر از چشم‌پوشی نیست.

امام علی علیه السلام، تغافل را بهترین و شریف‌ترین صفت اخلاقی انسان با کرامت دانسته‌اند: «أشرفُ أخلاقِ الکَرِیمِ کثرةُ تغافلِهِ عَمَّا یَعْلَمُ.» ^(۲۶) همچنین امام علیه السلام تغافل نمودن از امور ناچیز را باعث افزایش منزلت تغافل‌کننده می‌دانند، و با بیان مضرات عدم به کارگیری این شیوه، مخاطب را به این روش هدایت و تحریک می‌نمایند:

«وَعظُّموا أقدارَکم بالتغافل عن الدنِّیِّ من الأمور... و لا تَکُونوا بِحائِثینَ عَمَّا غاب عنکم، فیکثر غائبکم... و تکرِّموا بالتَّعامی عن الاستقصاء»؛ ^(۲۷) قدر و منزلت خود را با تغافل نسبت به امور پست بالا ببرید... و زیاده از اموری که پنهان است تجسس نکنید که عیب جویان شما زیاد می‌شوند... و با چشم برهم نهادن از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید.

۳. انواع تغافل

تغافل همیشه سودمند نیست. از این رو، برای آنکه مقصود ائمه اطهار علیهم السلام از تغافل به عنوان یک وصف پسندیده روشن گردد، آن را تحت دو عنوان «تغافل مثبت»

و صفت پرده‌پوشی پیامبر که می‌خواهد از این راه منافقان را هدایت فرماید، با عنوان «أَدْنِ خَيْرٍ وَ «رسول رحمت» تعبیر فرموده است. (۳۲) بنابراین، قبول توجیه‌های متربی از سوی مربی، زیرکی مربی را خدشه‌دار نمی‌کند، بلکه مایه بزرگواری مربی است.

امام زین‌العابدین علیه السلام در دعای ابو حمزه خداوند را به عنوان مربی توصیف فرموده است که از گناهان او حلم و تغافل نموده، به نحوی که اصلاً گناهی مرتکب نشده است: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي.» (۳۳)

در اینجا امام علیه السلام با لسان دعا، روش تربیتی تغافل را به همه مربیان آموزش می‌دهند؛ چراکه وقتی خداوند برای اصلاح رفتار بندگان از خطاهایشان تغافل می‌فرماید، پس تمامی بندگان در مقام تربیت باید به این نحو عمل نمایند.

ب. تغافل انسان‌ها نسبت به یکدیگر: از نظر امام علیه السلام، تغافل علاوه بر آنکه در تربیت ضروری است، یکی از اصول مهم اجتماعی زندگی آرام و خالی از دغدغه و وسیله سامان یافتن امور دنیایی جامعه انسانی است. از این رو، امام علیه السلام در وصیت به فرزندشان در

اهمیت تغافل فرموده است:

«وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنَّ صَلَاحَ الدُّنْيَا بِحَذَافِيرِهَا فِي كَلِمَتَيْنِ إِصْلَاحُ شَأْنِ الْمَعَاشِ مِلْؤُ مَكْيَالٍ ثُلَاثَاهُ فِطْنَةٌ وَ ثُلَاثَةٌ تَغَافُلٌ، لِإِنَّ الْإِنْسَانَ لَا يَتَغَافَلُ إِلَّا عَن شَيْءٍ قَدْ عَرَفَهُ فَفَطِنَ لَهُ»؛ (۳۴) فرزندم! همانا سامان یافتن همه امور دنیا در دو کلمه خلاصه می‌شود؛ اصلاح و تأمین معاش زندگی همچون پُری پیمانهای است که دوسوم آن به هوشمندی و یک سوم آن به چشم‌پوشی است؛ زیرا انسان تغافل نمی‌کند، مگر از چیزی که آن را می‌شناسد و آگاهی دارد.

چنین تغافلی در تربیت منظور نیست، و آثار زیانبارش از غفلت هم بیشتر است؛ زیرا غافل، ناآگاهانه گرفتار حوادث می‌شود، اما تغافل‌کننده با آگاهی دچار عواقب سوء می‌گردد. (۲۹)

گاهی نیز تغافل نسبت به دیگران برای تربیت و از روی حسن‌نیت نیست، بلکه هوای نفس و اندیشه‌های پلید محرک تغافل‌کننده است. چند نمونه از این نوع تغافل عبارتند از:

۱. تغافل شخص حسود: حسود در کارهای بد محسود تغافل می‌کند و قصدش این است که می‌خواهد محسودش هر چه بیشتر به روش نادرست ادامه دهد تا بین مردم مفتضح شود و آبرویش برود.

۲. تغافل انسان سودجو: تغافل او از گناه دیگران به مصلحت تغافل شونده نیست، بلکه نفع شخصی خود را در آن می‌داند.

۳. تغافل فرد جاه‌طلب: انسان جاه‌طلب از اخلاق ناپسند دیگران تغافل می‌کند و از زشتی کارهای آنان سخن نمی‌گوید تا اینکه انتقادش موجب آزرده‌گی افراد از او نشود. (۳۰)

۴. شیوه تغافل در کلام امام چهارم

روش تغافل مربی از خطاهای متربی، در کلمات امام علیه السلام به دو نوع قابل تقسیم است:

الف. چشم‌پوشی خداوند از گناهان بندگان: خداوند که مربی همه بندگان است، با پوشیدن عیوب بندگان و رسوا نکردن آنها سعی در تقرب آنان به خویش دارد. در قرآن کریم، (۳۱) این روش مورد تأیید قرار گرفته است؛ زیرا وقتی منافقان به قصد طعنه و اذیت، پیامبر صلی الله علیه و آله را «أَدْنِ» می‌خوانند، خداوند از گوش شنوا

می‌تواند از انحراف بیشتر متربی جلوگیری کرده و او را در مسیر تربیت صحیح قرار دهد. بنابراین، تغافل به عنوان شیوه تربیتی در کلمات و سیره امام سجاده علیه السلام برای هدایت و تربیت افراد مورد استفاده قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالبی که بیان گردید، نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. عفو و تغافل خداوند تعالی نسبت به بندگان، در سیره‌گفتاری امام سجاده علیه السلام مشهود است.
۲. در سیره تربیتی امام سجاده علیه السلام از روش‌های عفو و تغافل در جهت هدایت متربیان استفاده شده است.
۳. امام علیه السلام با به کارگیری شیوه‌های تربیتی عفو و تغافل، از انحراف متربیان جلوگیری کرده و آنان را به راه راست هدایت کرده‌اند.
۴. در سیره امام علیه السلام از این دو روش در جهت آشنایی متربیان و تذکر آنان به اصول اعتقادی و سوق دادن آنها به اعمال نیک استفاده شده است.
۵. به کارگیری این روش در سیره رفتاری امام علیه السلام و اشاره به آنها در سیره‌گفتاری ایشان، الگوی عملی برای مربیان تربیت دینی است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- صحیفه سجاده، دعای ۴۷، ص ۵۰۸.
- ۲- همان، ص ۵۰۹.
- ۳- همان، دعای ۲۰، ص ۲۰۷.
- ۴- همان، دعای ۲۱، ص ۲۴۲.
- ۵- محمدعلی حاجی ده‌آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلامی، ص ۱۲.
- ۶- علیرضا اعرافی و محمد داوودی، تربیت دینی، ص ۲۴.
- ۷- علیرضا اعرافی و سیدعلی حسینی‌زاده، تربیت فرزندان، ص ۱۰.

امام با بیان اهمیت تغافل و فواید آن، درصدد تحریک و تشویق به این روش هستند و ما را به این طریق هدایت می‌کنند.

۵. تغافل در سیره امام سجاده علیه السلام

در سیره امام علیه السلام نیز دیده می‌شود که با روش تغافل می‌توان رفتار ناشایست متربی را نادیده گرفت تا از این طریق، عزت او حفظ شده و از ادامه رفتار نادرست او جلوگیری شود؛ زیرا اگر احساس عزت متربی زایل شود، او با بی‌باکی تمام خطاهای بیشتری را مرتکب خواهد شد. ابن شهر آشوب می‌گوید:

«وَاسْتَطَالَ رَجُلٌ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - فَتَغَاعَلَ عَنْهُ، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: إِيَّاكَ أَعْنَى؟ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ عَنكَ أُغْضَى»؛^(۳۵) مردی حضرت را دشنام گفت. امام علیه السلام چشم‌پوشی (تغافل) نمود. مرد گفت: با تو هستم! امام پاسخ دادند: از [سخن] تو چشم‌پوشی می‌کنم.

به دلیل آنکه امام حجت و الگوی عمل برای ماست، به کارگیری روش تغافل برای همه مربیان اسوه است تا از این طریق با حفظ احترام متربی، او را به تربیت صحیح سوق دهند. انسان‌ها دوست ندارند دیگران از خطای آنان مطلع شوند. انسان، خواهان کرامت و عزت نفس خویش است، پس نیازمند آن است که جامعه با نگرشی مثبت با او برخورد کند. آگاهی دیگران از خطای او نگرش او را خدشه‌دار می‌کند، و اگر گناه او آشکار شود خطرناک‌ترین لحظه در زندگی فرد (متربی) است؛ چراکه او دیگر از فرو پوشیدن خطای خویش بیمی ندارد و از بر ملاشدن آن ابایی ندارد.^(۳۶) در چنین وضعی، مربی تنها با تغافل

- ۸- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ماده روشن، ج ۸، ص ۱۲۳۷۸.
- ۹- سید مهدی موسوی کاشمیری، روش های تربیتی، ج ۱، ص ۱۵.
- ۱۰- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۰۰.
- ۱۱- باقر غباری بناب، رفتار بخشایشگرانه در نهج البلاغه، کتاب چهارم، ص ۲۸۹.
- ۱۲- تعابن: ۴ / نور: ۲۲ / زخرف: ۸۹ / حجر: ۸۵.
- ۱۳- محمد رضا مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، ص ۵۹۹.
- ۱۴- محمد تقی مصباح، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۳۹۴-۳۹۵.
- ۱۵- صحیفه سجاده، دعای ۱۶، ص ۱۸۴.
- ۱۶- همان، دعای ۱۰، ص ۱۴۵-۱۴۶.
- ۱۷- علی مشکینی، مصباح المنیر، دعای ابو حمزه ثمالی، ص ۳۴۲.
- ۱۸- عمادالدین طبری، مناقب الطاهرین، ترجمه حسین درگاهی، ج ۲، ص ۶۲۳.
- ۱۹- باقر غباری بناب، رفتار بخشایشگرانه در نهج البلاغه، کتاب چهارم، ص ۲۹۵-۳۰۸.
- ۲۰- ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۱۸۷.
- ۲۱- محمد تقی فلسفی، اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی، ص ۴۰۳.
- ۲۲- خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۳۶.
- ۲۳- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۴۳۷۴.
- ۲۴- عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۷۱۷، ش ۱۴۸۶.
- ۲۵- همان، ج ۲، ص ۳۴۵.
- ۲۶- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۲۶۸.
- ۲۷- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶۴.
- ۲۸- ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۳۵۱.
- ۲۹- همان، ص ۳۵۲.
- ۳۰- محمد تقی فلسفی، اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی، ص ۴۰۶.
- ۳۱- توبه: ۶۱.
- ۳۲- خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۳۷.
- ۳۳- علی مشکینی، مصباح المنیر، دعای ابو حمزه ثمالی، ص ۳۳۴.
- ۳۴- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۸.
- ۳۵- علی بن عیسی الاربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۳۱۲.
- ۳۶- محمد علی حاجی ده آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص ۱۶۳-۱۶۴.
- منابع**
- صحیفه سجاده، واحد مطالعات و تحقیقات اسلامی، تهران، اسوه، ۱۳۷۳.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت، دارالاضواء، بی تا.
- اعرافی، علیرضا و سید علی حسینی زاده، تربیت فرزندان، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
- اعرافی، علیرضا و محمد داودی، تربیت دینی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، ۱۳۷۶.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ق.
- حاجی ده آبادی، محمد علی، درآمدی بر اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ج دوم، ۱۳۷۷.
- طبری، عمادالدین، مناقب الطاهرین، ترجمه حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط. الثانية، ۱۴۰۳ ق.
- غباری بناب، باقر، رفتار بخشایشگرانه در نهج البلاغه، تهران، تربیت اسلامی، ۱۳۷۹، کتاب چهارم.
- فلسفی، محمد تقی، اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ج سوم، ۱۳۶۷.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، مکتب اسلامیه، ج دوم، ۱۳۶۴.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷.
- مشکینی، علی، مصباح المنیر، قم، الهادی، ۱۳۶۴.
- مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی (ع)، ۱۳۷۸.
- موسوی کاشمیری، سید مهدی، روش های تربیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- مهدوی کنی، محمد رضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج پنجم، ۱۳۷۴.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، تهران، حکمت، ۱۳۶۷.